

# راز ایمان انسان‌ساز



محمد مهدی  
شریعت‌مدار  
کارشناس  
مسائل منطقه

در این ۱۱۰۰ روز، کمتر لحظه‌ای گذشت که در سوگ سردار دل‌ها، اشک از چشم نفسانیم؛ نه تنها از سر عاطفه و اندوه بر آن جهانمرد که در نگاه دو چشم یک سردار، اما از شمار خرد، هزاران هزاران بیش است، بلکه از سریقین و دریغ که هنوز و چه بسا تا انجام روزگار بشر، مادر دهر همچون او نراید.

در این سه سال، مقالات و گفت‌وگوها و مصاحبه‌هایی چند، در انجام وظیفه پاسداشت آن قهرمان جهانی داشته‌ام. مقاله‌ام «سلیمانی و دشمنانش، تفسیر مضیق و نبرد موسع» که دوستان اوج، اجتهاد در برابر نص کردند و با عنوان دیگری، در ویژه‌نامه مرد میدان منتشر کردند، یا مقاله «خطبه فرمانده در نکوداشت سرباز» که نگاهی به خطبه تاریخی رهبر انقلاب در نماز جمعه درباره آن شهید داشت، مجموعه گفت‌وگوهایم با اندیشمندان جهان عرب و اسلام که هنوز فرصت نشر آن را نیافته‌ام، مصاحبه ویژه‌نامه صداوسیما با اینجانب درباره سلیمانی و رسانه و مصاحبه‌ام با سید هاشم صفی‌الدین و واکاوی خاطرات دومین چهره اثرگذار مقاومت اسلامی لبنان که از شبکه الصراط و پایگاه خبری دفتر مقام معظم رهبری پخش شد، جمع‌آوری سروه‌های بیش از ۸۰ تن از شاعران عرب که به دو زبان عربی و فارسی در راه بازار است، طراحی و برگزاری و مشارکت در چند و بینار، همه بخشی از ادای وظیفه پژوهش، شناخت و معرفی ابعاد شخصیت او در این سه سال بود که در آنها تلاش شد نگاهم داخلی نباشد و در جست‌وجوی زوایایی باشم که دیگران کمتر آنها را در شخصیت سردار جسته‌اند و هنوز هم هر روز بعد جدیدی در سیره او می‌کاوم.

در یکی از وینارها، چند چهره مسیحی از سوریه و لبنان و فلسطین را دعوت کردم تا درباره او بگویند. روزی باید حکایت آن وینار را جداگانه بنویسم، اما عجلتا علاوه بر طرح نظریه «الهیات مقاومت» در سخنرانی خود در وینار، عنوانی که در ادبیات مسیحی چالش‌انگیز بود، همواره و از همان روز، این اندیشه ره‌ایم نمی‌کند که کدام عامل باعث شد تا این انسان مقید به همه تعالیم و احکام و اخلاق که تمام زندگیش بر محور عزت و مجد مسلمین چرخیده، چنین از پیروان دینی دفاع جانانه کند که تاریخ، شاهد نبردهای خونینی میان گروهی از اسلاف آنان و مسلمانان بوده است و رگه‌های این مخاصمات را تا همین سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم.

پرسش کانونی آن است که آیا چنین رویکرد و تلاشی از سوی او صرفا انسان دوستانه و عاطفی بوده است؟ و صدا البته که او چنان سرشار از عاطفه است که حتی در میانه میدان‌های نبرد در شام و فرسنگ‌ها دور از دیار خود، در اندیشه آهوان دشت و دمن اطراف محل کارش هم بود. این فرمانده پیرصلا بت چنان سرشار از مهر بود که اگر کسی از امربران خود را در مقام فرماندهی می‌آزد، خیلی زود از او دلجویی می‌کرد. صلابت و عاطفه توأمان او خود روایت دیگری می‌طلبید.

در این نکته بسی اندیشیدم، کسی که در احکام شرعی، آنقدر مقید است

که از اهل خانه‌ای که در کشاکش جنگ زمانی در آن اتراق کرده‌اند، حلایت می‌طلبید، در حالی که جنگ و شرایط فوق‌العاده و اضطرابی خیلی چیزها را مباح می‌کند، بر اساس کدام حکم دینی، نماد بی‌مانند دفاع از ادیان و مردمان ناهم‌کیش می‌شود؟

رویه سلیمانی را در منظومه اخلاق اسلامی هم می‌توان پی‌جویی کرد که او کسی است که با همه اخلاق‌مداری زبانزدش، تا واپسین دم حیات، کتاب‌ها و دروس اخلاق بزرگان را در سفرهای رزمی‌اش با خود می‌برد تا بیشتر و بیشتر بیاموزد و در پی تذکار مستمر باشد. در همه اینها اندیشیده‌ام و در عالم سیاست هم، که او به گواهی همگان، نابغه‌ای در این جهان بود.

اما می‌دانستم که تنها در عالم سیاست و حتی در فضای اخلاق و عواطف انسانی، نباید علت این کنش یک‌ه و تاسیسی او را جست. این رویکرد بین‌الادیانی و انسان‌گرایانه، بی‌گمان مبانی معرفت‌شناختی دارد.

از دل آن و بینار، نظریه الهیات مقاومت برآمد، با موافقان اندک و مخالفانی که لاهوت را عرصه محبت مطلق و نافی هرگونه چالشی می‌دانند، تا چه رسد به تقابل و مقاومت! ناسوت هم از دید آنان، مناسبات زمینی برون از دایره اعتقاد و احکام است و اصلا مگر مسیحیت امروز احکام دارد؟

شریعت مسیحی، اگر تعبیر درستی باشد، امروزه تنها بخش اندکی از احوال شخصیه و مناسبات مربوط به کلیسا و مقامات آن را که بیشتر مدنی است تا الهی، شامل می‌شود و همین!

در حوزه کلام هم، زمانی که پرسش‌هایی درباره مبانی عقلی بعضی باورها طرح شد، از کسی مانند پروفیسور عیسی دیاب، استاد و روحانی پروتستان جواب شنیدم که این ایمان است و درباره آن بگو مگو مکن و وارد حوزه ایمان مشو.

بر آن نیستم به مقوله مناقشات کلامی و ساحت ایمان دینی بپردازم. دست‌کم می‌توان گفت که فارغ از مبانی عقلی و استدلال‌های کلامی، احتمالا پس از تجربه جنگ‌ها و کشتارها، بشر به مقوله همزیستی رسیده است.

جنگ‌های مذهبی مانند نبردهای صلیبی، جنگ‌های دو قرن ۱۶ و ۱۷ و تا اول قرن ۱۸ در اروپا با محوریت پروتستانیسیم و کاتولیسیم و در عصر ما جنگ داخلی لبنان، جنایات کروات‌ها در بوسنی و جنگ داخلی سودان که منجر به جدایی شد، نمونه‌هایی از این تجربه تلخ تاریخ بشر است. در اسلام هم مانند آن را داشته‌ایم: جنگ‌های ارتداد با همه اما و اگرهایش، بعضی رفتارها که در چارچوب فتوحات اسلامی رخ داد، فتنه خلق قرآن که از زمان مامون شروع شد و تا اوایل متوکل هم ادامه داشت، بیش از یک قرن درگیری‌های عثمانی و صفوی، قتل عام‌های مبتنی بر هویت مذهبی، از حمله وهابیون به کربلا و غیر آن تا داعش امروز و همپالگی‌های آن!

هم از این روست که آن تجربه بشر در همزیستی، در جهان اسلام نمودی دیگر یافت و همه‌مان آموختیم که در مشترکات، متفق و در موارد اختلاف، چشم‌پوش باشیم. امام راحل رضوان... تعالی علیه این نگاه را در چارچوب نظریه بلند وحدت اسلامی، در اندیشه و قول و عمل تجسم بخشید.

در میانه این تجربه تاریخی پراز و رنج‌آلود، اینک سالار یگانه منتقم